



Analysis of the Rate of Fracture With Blackening of Teeth in Theories of Forensic Medicine and Jurisprudence



Hossein Andalib^{1*} PhD

¹ Department of Islamic Studies, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran

*Correspondence to: Hossein Andalib, Email: hoseinandalib@yahoo.com

ARTICLE INFO

Article history:

Received: September 13, 2022

Accepted: April 16, 2023

Online Published: June 6, 2023

Keywords:

Reparation for broken teeth
Reparation for blackened teeth
Judicial procedure

HIGHLIGHTS

1. In the jurisprudential tradition, as well as in the Islamic Penal Code, there is no specific provision regarding the determination of compensation for a broken tooth combined with a blackened tooth.
2. In the judicial procedure and forensic medical opinion, referring to Article 619 of the Islamic Penal Code, only the penalty for blackened teeth has been determined, which seems to be inconsistent with criminal justice and maximum protection of the rights of the victims.

ABSTRACT

The purpose of this research is to determine the rate of fracture with blackening of teeth. The importance of this issue is due to the fact that one of the issues in court cases regarding the determination of the dowry is the determination of the dowry for broken teeth accompanied by blackening. In the jurisprudential tradition as well as in the Islamic Penal Code, there is no specific provision regarding the determination of the doom for broken bones with blackness, and despite this judicial requirement, no research has been written about this. This has caused different opinions and viewpoints to be expressed in the judicial procedure and the opinion of the forensic doctor, and with reference to Article 619 of the Islamic Penal Code, the only penalty for blackened teeth is determined. This causes violation of the rights of the victims. Therefore, it is necessary to examine this issue from a jurisprudential and legal point of view. The innovation of the article is that by analyzing and re-examining the foundations and jurisprudential evidence, while criticizing the existing procedure, it presents a new point of view regarding the discussed issue. A point of view that aims to protect the maximum rights of the victims and is closer to criminal justice. The research method is descriptive and analytical. The result of the research is that the judicial procedure only rules for black money and does not provide for a broken tooth. It is not compatible with jurisprudence and legal standards and leads to the violation of the rights of the victims.

How to cite: Andalib H. Analysis of the rate of fracture with blackening of teeth in theories of forensic medicine and jurisprudence. Iran J Forensic Med. 2023;29(1):14-24.



تحلیل میزان دیه شکستگی توأم با سیاه‌شدگی دندان در نظریه‌های پزشکی قانونی و رویه قضایی آن

حسین عندلیب^۱ PhD^۱ گروه معارف اسلامی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

*نویسنده مسئول: حسین عندلیب، پست الکترونیک: hoseinandalib@yahoo.com

چکیده

یکی از مسائل مبتلا به در پرونده‌های قضایی با موضوع تعیین دیه، تعیین دیه شکستگی توأم با سیاه‌شدگی دندان است. در تراث فقهی و همچنین قانون مجازات اسلامی مقرر خاصی درباره تعیین دیه شکستگی توأم با سیاه‌شدگی بیان نشده است. همین امر سبب شده که در رویه قضایی و اظهار نظر پزشکی قانونی آرا و دیدگاه‌های متفاوتی ابراز شود. با استناد به ماده ۶۱۹ قانون مجازات اسلامی تنها دیه سیاه‌شدگی دندان تعیین شود و نسبت به شکستگی دندان دیه‌ای مقرر نمی‌کند که با موازین فقهی و حقوقی همخوانی ندارد و این امر باعث تضییع حقوق بزه‌دیدگان است. بنابراین ضروری است این مسئله از حیث فقهی و حقوقی مورد بررسی قرار گیرد. نوآوری مطالعه حاضر در این است که با واکاوی و بازپژوهی مبانی و ادله فقهی حقوقی، ضمن نقد رویه موجود، دیدگاه جدیدی در خصوص مسئله مورد بحث مطرح می‌کند. دیدگاهی که در راستای حفظ حقوق حداکثری بزه‌دیدگان است و به عدالت کیفری نزدیک‌تر است.

اطلاعات مقاله

تاریخچه مقاله:

۱۴۰۱/۰۶/۲۲

دریافت:

۱۴۰۲/۰۱/۲۷

پذیرش:

۱۴۰۲/۰۳/۱۶

انتشار برخط:

واژگان کلیدی:

دیه شکستگی دندان

دیه سیاه‌شدگی دندان

رویه قضایی

نکات ویژه

۱- در تراث فقهی و همچنین قانون مجازات اسلامی مقرر خاصی درباره تعیین دیه شکستگی توأم با سیاه‌شدگی دندان بیان نشده است.

۲- در رویه قضایی و اظهار نظر پزشکی قانونی با استناد به ماده ۶۱۹ قانون مجازات اسلامی تنها دیه سیاه‌شدگی دندان تعیین شده که به نظر با عدالت کیفری و تأمین حداکثری حقوق بزه‌دیدگان همخوانی ندارد.

مقدمه

مبنای وسعت آناتومیک صدمات دندان‌های قدامی ارائه کرد. در این سیستم طبقه‌بندی شکستگی تاج به نوع ۱ (شکستگی مینا)، نوع ۲ (شکستگی مینا و عاج)، نوع ۳ (شکستگی مینا و عاج با اکسپوزر پالپ) و نوع ۴ (شکستگی کامل تاج دندان) تقسیم شد [۳].

«سیاه‌شدگی دندان» نیز عوامل مختلفی دارد که به عوامل داخلی یا خارجی تقسیم می‌شود. درمورد عوامل خارجی سیاه شدن دندان، همان‌طور که از نام آن مشخص است، دلایلی در خارج از بدن انسان باعث می‌شوند که رنگ دندان‌ها تغییر کند. برای مثال مصرف زیاد نوشابه‌های گازدار، نوشیدنی‌های دارای رنگ افزودنی، قهوه، برخی ادویه‌ها و... رنگ دندان‌ها را عوض می‌کنند. موادی که نام برده شد، دارای رنگدانه‌هایی هستند که به محض مصرف به دندان می‌چسبند و بر

دیه عبارت است از پول یا مالی که مجرم باید به کسی که مورد آسیب قرار داده یا به خانواده او بپردازد [۱] و در لغت به معنای خونهاس است [۲]. دیه در اصطلاح، مالی است که در عوض کشتن شخص حر یا صدمه جانی به دیگری پرداخت می‌شود و در قرآن کریم نیز آیه ۹۲ سوره نساء که به آیه دیه شهرت دارد، به مشروعیت دیه اشاره می‌کند. «دندان شکسته» به دندانی گفته می‌شود که به هر دلیلی این دندان از حالت اصلی و یا ترمیم شده خود خارج شده و نیاز به ترمیم و یا جایگزینی داشته باشد. طبقه‌بندی‌های زیادی برای شکستگی‌های دندانی مطرح شده که یکی از مهم‌ترین آنها طبقه‌بندی Ellis است. Ellis در سال ۱۹۷۰ یک سیستم طبقه‌بندی شماره‌گذاری شده را بر

روی سطح مینای دندان ثابت می‌مانند. یکی دیگر از عوامل خارجی سیاه‌شدگی دندان، ضربه‌ای است که به دندان وارد می‌شود و منجر به سیاه‌شدگی آن می‌شود. عوامل داخلی سیاه شدن دندان در اکثر موارد مربوط به عفونت‌ها یا پوسیدگی‌های لایه‌های زیرین دندان است. به این نوع از عفونت «عفونت پالپ» یا «مغز دندان» گفته می‌شود [۴]. آنچه در این مطالعه مورد نظر است، سیاه‌شدگی بر اثر ضربه‌ای است که به دندان وارد شده است.

مسئله مورد بحث در این مطالعه، بررسی رویه قضایی در خصوص تعیین دیه شکستگی توام با سیاه‌شدگی دندان است. رویه پزشکی قانونی و به تبع آن رویه قضایی در این موارد تعیین دیه سیاه‌شدگی است و نسبت به شکستگی دیه‌ای در نظر گرفته نمی‌شود [۵] بلکه فقط با استناد به ماده ۶۱۹ قانون مجازات اسلامی دیه سیاه‌شدگی دندان تعیین می‌شود و مورد حکم قرار می‌گیرد. اما این رویه از دیدگاه برخی حقوقدانان و قضات چندان موجه به نظر نمی‌رسد و قابل نقد است. این گروه معتقدند باید دیدگاه دیگری را در مسئله برگزید. از این رو شایسته آن است مبانی فقهی و حقوقی مسئله مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. بنابراین پرسش اصلی که این پژوهش با آن مواجه است عبارت است از اینکه «بر اساس موازین فقهی - حقوقی برای شکستگی توام با سیاه‌شدگی دندان چه میزان دیه باید تعیین شود؟». برای پاسخ به این پرسش در گام اول باید دیدگاه فقها و ادله آن و سپس ادله حقوقی و قوانین موجود در این رابطه مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. در گام نهایی نیز رویه قضایی مورد تبیین و تحلیل قرار گیرد و تطابق یا اختلاف آن با مبانی فقهی و حقوقی مشخص شود.

دیدگاه فقها درباره دیه شکستگی دندان

فقه‌ای امامیه بر این باورند که برای از بین بردن دندان به نحو کامل، بسته به اینکه از دندان‌های جلو (قدامی) باشد ۵۰۰ درهم و برای دندان‌های عقب (خلفی) ۲۵۰ درهم دیه تعیین می‌شود [۶]. هر چند برخی فقیهان امامی قول به تساوی دیه دندان‌های قدامی و خلفی را می‌وجه ندانسته‌اند [۷]، اما این قول مورد اقبال مشهور فقیهان امامیه قرار نگرفته، زیرا از سویی این دیدگاه موافق مذهب عامه است و همین امر سبب می‌شود روایت مؤید آن نیز حمل بر تقیه شود. از سوی دیگر پذیرش تساوی دیه همه دندان‌ها باعث می‌شود

که دیه مجموع دندان‌ها از دیه کامل انسان بیشتر شود. همین امر باعث شده که فقیهان بزرگی همچون شیخ طوسی، صاحب جواهر و مشهور فقیهان امامیه قائل به تفصیل دیه دندان‌های قدامی و خلفی شوند [۶]. در خصوص شکستگی کامل دندان نیز بنابر نظر مشهور فقیهان امامی، چه ریشه دندان هم از بین برود و چه ریشه آن باقی باشد، دیه کامل همان دندان تعیین شده است [۶]. اگر قسمتی از دندان شکسته شود، به نسبت مساحت آن از دیه کل دندان محاسبه و تعیین می‌شود. به طور مثال اگر ۱۰ درصد یکی از دندان‌های قدامی شکسته شود، ۱۰ درصد دیه کامل دندان (یعنی ۵۰ درهم) به عنوان دیه تعیین می‌شود.

دیدگاه فقها درباره دیه سیاه‌شدگی دندان

دیدگاه اول (مشهور): دو ثلث دیه دندان

آنچه در بین فقها مشهور است، بلکه بر آن ادعای اجماع نیز شده، آن است که برای سیاه‌شدگی دندان، دو سوم دیه آن دندان باید تعیین شود. صاحب جواهر و برخی دیگر از فقیهان در این باره می‌نویسد: «اگر به سبب جنایت دندان سیاه شده اما نیفتد دو سوم دیه آن دندان واجب است که هیچ‌گونه اختلافی در آن نیافتم همان‌طور که در ریاض به آن اعتراف کرده است بلکه در کتاب غنیه، اجماع بر این حکم آشکار است بلکه در کشف‌اللثام آن را به قطع فقها نسبت داده است» [۶، ۸، ۹]. مستند این حکم صحیح ابن سنان از امام صادق (ع) است که فرمود: «اگر ضارب به صورت کسی مشت بزند و دندان او را لق کند باید یک سال منتظر شود. اگر طی یک سال دندان از ریشه درآید ضارب باید ۵۰۰ درهم تاوان بدهد و اگر دندان از ریشه درنیامد اما سیاه شد، ضارب باید دو سوم دیه آن دندان را بپردازد.» [۱۰]. اما برخی فقها، مثل شیخ طوسی، قائل به تفصیل شده‌اند و معتقدند اگر سیاه‌شدگی باعث از بین رفتن منافع و قوت آن دندان نشود، باید ارش تعیین شود اما اگر باعث از بین رفتن منافع و قوت آن دندان شود باید دو ثلث دیه آن دندان به عنوان دیه تعیین شود [۱۱]. فقیهان دیگری همچون محقق حلی [۱۲] علامه حلی [۱۳] فیض کاشانی [۱۴] و امام خمینی نیز معتقدند باید برای سیاه‌شدگی دندان دو ثلث دیه دندان تعیین شود. امام خمینی در این باره می‌نویسد: «در میزان دیه تفاوتی میان دندان‌های سفید، زرد و سیاه نیست. اگر این رنگ اصلی باشد نه عارضی و از روی عیب

از قبیل ابن ابی عقیل عمانی، ابن جنید اسکافی، شیخ مفید در «المقنعه»، سید مرتضی علم الهدی در «المسائل الناصریات» و «الانتصار» و ابوالصلاح حلبی در «الکافی» در فرض مسئله مشخص نیست. با وجود این، چگونه می‌توان در چنین حالتی ادعای اجماع کرد؟ دوام، اجماعات خلاف و غنیه محل طعن است و مخالفت خود شیخ در نهاییه و مبسوط شاهی بر این ادعاست، زیرا شیخ طوسی در دو کتاب دیگر خویش (نهاییه و مبسوط) دو عقیده متفاوت را ابراز کرده است. از این رو بر نقل چنین اجماعی ارزشی مترتب نمی‌شود. سوم، حتی با پذیرش مطلب فوق و قبول تحقق اجماع، با محذور دیگری مواجه خواهیم شد و آن، این است که به دلیل مدرکی یا دست‌کم احتمال مدرکی بودن (وجود روایات)، کاشفیت اجماع از رأی معصوم به شدت محل تردید خواهد بود، زیرا همان‌گونه که گفته‌اند حجّیت اجماع به واسطه کشف قول معصوم (ع) است و از آنجا که مستند اجماع مدرکی مشخص است، فقیه می‌تواند با مراجعه به دلیل، اعتبار آن را سنجیده و بر طبق آن فتوا دهد. از این رو، ارزش اجماع مدرکی همانند ارزش مدرک آن است و جز آن اعتبار دیگری ندارد [۲۳].

همچنین استناد به روایت عزیزی برای اثبات ثلث دیه نیز به این دلیل مورد مناقشه است که وثاقت راوی مزبور محل تردید است. افزون بر آن، راوی دیگری به نام «یوسف بن حارث» در سلسله سند روایت وجود دارد که وضعیتی او نیز عاری از ضعف نیست. از این رو، مطابق مبانی رجالی، خبر مزبور ضعیف شمرده می‌شود. پاره‌ای از فقیهان رجالی نیز بر این امر صحه نهاده‌اند [۲۴].

البته برخی به اشکال مزبور چنین پاسخ داده‌اند: «ضعف روایت به عمل مشهور جبران می‌شود» و یا به عبارتی «عمل مشهور جابر ضعف سندی روایت است» [۲۵]. اما چنین پاسخی نمی‌تواند رافع اشکال باشد، زیرا حتی در فرض پذیرش این مبنا، عمل مشهور به روایت ضعیف در صورتی جابر ضعف سند است که فقهای متقدم به اعتبار نزدیکی به عصر معصومان (ع) به روایت استناد و عمل کرده باشند [۲۶]. حال آنکه هیچ کدام از فقیهان متقدم متعرض روایت مزبور نشده‌اند و ظاهراً محقق حلی نخستین فقیهی است که در یکی از آثار خود به این روایت استناد کرده است [۲۷].

استناد به روایت حکم بن عتیبه و یا قاعده «کلما کان من شلل فهو علی الثلث» در مورد دندان سیاه‌شده نیز واجد اشکال است، زیرا

و اگر دندانی در اثر جنایت، سیاه شود و نیفتد، بنابر دیدگاه قوی‌تر دیه آن دوسوم دیه همان دندان سالم است» [۱۵]. بنابراین قول مشهور فقیهان دو ثلث دیه برای سیاه‌شدگی دندان است.

دیدگاه دوم: ثلث دیه دندان

در مقابل دیدگاه دیگری وجود دارد که دیه سیاه‌شدگی دندان را ثلث دیه آن دندان می‌داند. برخی از فقیهان همچون شیخ طوسی بر این قول ادعای اجماع کرده است [۱۶]. ظاهر «غنیه» نیز حکایت از اجماعی بودن فرض مسئله دارد [۱۷] و صاحب ریاض اذعان به حجّیت و وجاهت چنین اجماعی کرده است [۱۸]. مستند این دیدگاه مرسله اباان است که از این قرار است: «امیرالمومنین (ع) می‌فرمود: اگر دندان سیاه شود، برای آن ثلث دیه قرار داده می‌شود» [۱۹]. عبدالرحمان عزمی نیز شبیه به همین روایت را از امام صادق (ع) نقل کرده است. او از امام صادق (ع) و ایشان از پدرشان نقل می‌کند که حضرت فرمودند: «در از بین بردن دندان سیاه یک‌سوم دیه دندان سالم ثابت است» [۱۶]. البته در کتب اربعه واژه «ثلث» وجود ندارد و چنین آمده: «امیرالمومنین (ع) می‌فرمود: اگر دندان سیاه شود، برای آن دیه قرار داده می‌شود» [۲۰]. بنابراین اضافه کردن قید «ثلث» وجهی ندارد و مبنای مهم روایی دیدگاه ثلث دیه متزلزل می‌شود. همچنین قاعده کلی مستفاد از روایت حکم بن عتیبه نیز می‌تواند موید این دیدگاه باشد. توضیح اینکه حکم بن عتیبه از امام صادق (ع) نقل می‌کند که حضرت فرمودند: «هر عضوی که فلج شود دیه آن یک‌سوم دیه عضو سالم است» [۱۰]. البته می‌توان چنین نیز برداشت کرد که دندان سیاه‌شده فلج محسوب می‌شود و در مورد میزان دیه کندن آن، قاعده کلی «کلما کان من شلل فهو علی الثلث» جاری است [۲۱].

برخی از فقیهان نیز برای دفاع از این دیدگاه چنین استدلال کرده‌اند: «از آنجا که دیه سیاه شدن دندان بر اثر جنایت دو ثلث دیه دندان سالم است و در این صورت، فقط ثلث دیه باقی مانده است، پس به تبع در افتادن دندان سیاه فقط همین مقدار ثابت می‌شود، یعنی دوسوم دیه بر عهده ضارب و یک‌سوم بر عهده مسقط است» [۲۲].

در نقد این دیدگاه باید گفت ادعای فقیهانی که با طرح تحقق اجماع در مسئله در صدد اثبات مدعای خویش برآمده‌اند، خالی از مناقشه نیست، زیرا نخست، موضع بسیاری از متقدمان امامی

دلیل اخص از مدعاست. مراد از فلج شدن عضو این است که کاربرد و منافع عضو زائل شود، اما در مورد دندان سیاه‌شده، گاه با سیاه شدن دندان، تمام و یا برخی از منافع آن زائل می‌شوند و گاه در اثر جنایت وارده، صرفاً دندان سیاه می‌شود، اما منافع آن همچنان باقی می‌مانند. از این رو، نمی‌توان سیاه شدن دندان را به صورت مطلق فلج شدن آن محسوب کرد. بسیاری از فقیهان نیز گویی در فلج دانستن دندان سیاه به طور مطلق تردید داشته و از این رو استناد به روایت و قاعده مزبور را به فرض «فلج محسوب شدن دندان سیاه» مقید کرده‌اند [۲۸].

همچنین به این استدلال که «باقی ماندن ثلث دیه دندان پس از ثبوت دو ثلث دیه دندان با سیاه شدن آن» این ایراد وارد شده که چنین استظهاری استحسان محض است و طبیعتاً در استنباط حکم شرعی استحسان نمی‌تواند مبنای عمل قرار گیرد [۲۴]. بنابراین، نمی‌توان از آن به عنوان دلیل و منبع استنباط حکم استفاده کرد، زیرا چنین استدلالی ظنی است و ظن مادامی که دلیلی بر حجّیت آن اقامه نشده است فاقد اعتبار است [۲۹]. برخی به اشکال مزبور چنین پاسخ داده‌اند که استدلال مزبور (باقی ماندن ثلث دیه دندان پس از ثبوت دو ثلث دیه دندان با سیاه شدن آن) در واقع استظهار از روایت عبدالله بن سنان است، نه استحسان [۳۰]. در صحیحۀ عبدالله بن سنان آمده است که امام صادق (ع) فرمودند: «اگر دندان مورد اصابت قرار گیرد، یک سال صبر می‌شود. اگر افتاد، ضارب ۵۰۰ درهم بدهکار می‌شود و اگر نیفتاد اما سیاه شد، دوسوم دیه دندان به عهده ضارب است» [۱۰]. وانگهی، چنان که مشخص است، روایت عبدالله بن سنان در مقام بیان میزان دیه جنایت سیاه کردن دندان است که دو ثلث دیه دندان سالم است، اما نه ظاهراً و نه مفهوماً بر ثبوت ثلث دیه بر اسقاط دندان سیاه‌شده دلالتی ندارد. مرحوم تبریزی در کتاب تنقیح مبانی الاحکام با تأمل در چنین استفاده‌ای از روایت عبدالله بن سنان اذعان می‌دارد نهایت چیزی که از این روایت می‌توان گفت اینکه مستفاد از روایت این است که دیه اسقاط دندان سیاه نباید از ثلث دیه دندان بیشتر باشد، زیرا سبب می‌شود از دیه اصلی دندان بیشتر شود، اما نمی‌توان از روایت برای ثبوت ثلث دیه در اسقاط دندان سیاه استفاده کرد [۳۱].

دیدگاه سوم: دیه کامل دندان

دیدگاه سوم در این خصوص، تعیین دیه کامل دندان برای

سیاه‌شدگی است. مستند این دیدگاه ۳ روایت است که یکی از آنها همان روایت ابان بود که در فقره قبلی مورد بررسی قرار گرفت و به خاطر مرسله بودن آن نمی‌تواند مورد استناد قرار گیرد. روایت دیگر خبری است که مرحوم کلینی با اسناد خودش از کتاب ظریف نقل می‌کند و از این قرار است: «درخصوص دندان‌ها، هر دندانی ۵۰ دینار دیه دارد. پس اگر دندانی تا یک سال سیاه شود و نیفتد دیه‌اش دیه دندانی است که می‌افتد که آن ۵۰ دینار است» [۱۰]. البته باید توجه داشت دیه «۵۰ دینار» مخصوص دندان‌های جلو (قدامی) است و گرنه دیه دندان‌های عقب (خلفی) «۲۵ دینار» است و اینکه در روایت ۵۰ دینار بیان شده از باب غلبه است زیرا معمولاً در جنایات، دندان‌های جلو آسیب می‌بیند و دندان‌های عقب در امنیت بیشتری است. به این دلیل امام (ع) از باب غلبه این مقدار را تعیین کرده‌اند.

روایت دیگری که مستند این دیدگاه است خبری است که در کتاب فقه الرضا(ع) نقل شده است: «پس اگر دندانی تا یک سال سیاه شود و نیفتد دیه‌اش دیه دندانی است که می‌افتد» [۳۲]. با تامل در متن این روایت مشخص می‌شود که این روایت همان روایت ظریف است و مولف کتاب فقه الرضا(ع) این روایت را از کتاب ظریف گرفته است، بنابراین روایت مستقل محسوب نمی‌شود. ذکر این نکته نیز خالی از لطف نیست که نقل این روایت از کتاب ظریف یکی از شواهدی است که نشان می‌دهد کتاب فقه الرضا(ع) توسط مرحوم ابن بابویه گردآوری شده است و توسط امام رضا(ع) نگاشته نشده است.

دیدگاه چهارم: ثلث دیه در دندان سیاه فاسد و ثبوت ارش در دندان سیاه غیر فاسد

مرحوم سبزواری در «مذهب الاحکام» تفصیلی را ارائه کرده که در واقع به نظر می‌رسد ترکیبی از ۳ دیدگاه پیشین است. گویی ایشان به منظور رفع اختلافات میان اقوال موجود، با ارائه چنین دیدگاهی درصدد جمع میان آنها برآمده؛ بدین‌صورت که در دندان سیاهی که سیاهی آن اصلی و به حسب خلقت باشد دیه کامل دندان ثابت است، اما اگر سیاهی دندان عارضی و به سبب عیب باشد، چنانچه سیاهی عارضی دندان کاشف از خلل در آن باشد، ثلث دیه همان دندان ثابت است و چنانچه سیاهی عارضی دندان کاشف از خلل در دندان نباشد، بلکه به دلیل زشت بودن دندان باشد، در این صورت ارش ثابت است. وانگهی، احوط آن است

دیدگاه فقها درباره شکستگی توام با سیاه‌شدگی

در خصوص شکستگی توام با سیاه‌شدگی تا آنجا که در کتب فقهی جستجو شد این فرض مطرح نشده است. بنابراین ضروری است از فقیهان معاصر استفتا به عمل آید. در این زمینه از دو تن از مراجع عظام تقلید استفتائی به شرح زیر به عمل آمده است:

«سؤال: اگر یکی از دندان‌های جلو علاوه بر سیاه شدن، ۶۰ درصد آن نیز شکسته شود، بفرمایید:

۱- آیا این دو آسیب با هم تداخل می‌کند؟

۲- در دو فرض تداخل داشتن و نداشتن، دیه و ارش آن چه مقدار است؟

آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی در پاسخ چنین مرقوم کردند: «تداخل ندارد و دندانی که ۶۰ درصد آن شکسته، ۶۰ درصد دیه و نسبت به سیاهی ارش دارد.»

آیت‌الله سیدعبدالکریم موسوی اردبیلی نیز چنین مرقوم داشتند: «به حساب مقداری که از دندان شکسته، نسبت به کل دندان، از دیه دندان، پرداخت شود و باتوجه به این که در سیاهی دندان دو ثلث دیه دندان است، هر مقدار که از دندان باقی مانده و سیاه شده، به همان نسبت باقیمانده به کل دندان از دیه سیاهی دندان نیز پرداخت شود» [۳۵].

بنابراین از دیدگاه این دو فقیه معاصر دیه شکستگی با سیاه‌شدگی تداخل نمی‌کند و برای شکستگی باید دیه تعیین شود و نسبت به سیاه‌شدگی دیه یا ارش تعیین شود.

دیدگاه قانون‌گذار ایران

دیدگاه قانون‌گذار درباره دیه شکستگی دندان

قانون‌گذار ایران در ماده ۶۲۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ دیه شکستگی دندان را به شرح زیر تعیین کرده است: «شکستن آن مقدار از دندان که نمایان است با بقای ریشه، دیه همان دندان را دارد و اگر کسی بعد از شکستن مقدار مزبور ریشه را بکند، خواه مرتکب کسی باشد که مقدار نمایان دندان را شکسته است یا دیگری، ارش تعیین می‌شود.

تبصره ۱- شکستن مقداری از قسمت نمایان دندان به همان نسبت دیه دارد.

تبصره ۲- هرگاه قسمتی از دندان کنده شده در اثر جنایت یا

که حاکم شرع جانی و مجنی‌علیه را به تراضی بر ربع دیه دندان سالم ترغیب کند [۳۳].

محقق سبزواری برای اثبات مدّعی خود در ثبوت ثلث دیه به اجماع و روایت منقول از امیرالمومنین (ع) [۱۶]، که ذکر آن پیشتر گذشت، استناد کرده و در ثبوت ربع دیه، دیدگاه خود را به روایت عجلان از امام صادق (ع) [۱۵] که به آنها اشاره شد، معّل کرده است. نقدی که بر این دیدگاه وارد است آن است که محقق سبزواری میان سیاهی عارضی ناشی از خلل در دندان و سیاهی عارضی ناشی از زشتی دندان تفکیک کرده و در فرض دوم قائل به ارش شده است. به عبارتی ایشان قائل به انصراف اطلاق روایت عزیمی به سیاهی ناشی از خلل در دندان شده، اما چنین انصرافی صحیح نیست زیرا منشأ انصراف کثرت استعمال لفظ مطلق در مقید است، حال آنکه در روایت عزیمی لفظ «السَّوْدَاء» مطلق است و شامل هر دو نوع سیاهی عارضی، خواه سیاهی ناشی از خلل در دندان یا ناشی از زشتی دندان، می‌شود و لفظ در هیچ کدام از این معانی کثرت استعمال ندارد. بنابراین جمعی که ایشان بدان نظر داشته‌اند بیشتر به جمع تبرّعی شباهت دارد که دلیلی بر اعتبار آن در شرع وجود ندارد.

دیدگاه برگزیده: دو ثلث دیه دندان

برگزیدن هر یک از دیدگاه‌های پیش‌گفته در گرو قوت مستندات آن است. دیدگاه اول که مشهور فقیهان بدان باور دارند، مستند به روایت صحیح السند ابن سنان از امام صادق (ع) است. دیدگاه دوم مستند به روایت مرسله ابان است که نه تنها از قوت چندان بر خوردار نیست بلکه با نسخه اصلی روایت که دیه کامل دندان را مقرر کرده نیز همخوانی ندارد. دیدگاه سوم مستند به روایت کلینی از کتاب ظریف است که هرچند این کتاب معتبر است اما با روایت صحیح ابن سنان در تعارض است. برای حل تعارض برخی فقیهان معاصر بر این باورند که اگر روایت ظریف معارضی نداشت، می‌توانست مورد استناد قرار گیرد اما وقتی روایت صحیح ابن سنان در مقابل آن قرار دارد، نمی‌توان به روایت ظریف استناد کرد. مضاف بر اینکه اصل عملی نیز مرجح صحیح ابنان است. زیرا مسئله از مصداق شک در اقل و اکثر است که نسبت به مازاد از دو ثلث، براءت جاری می‌شود [۳۴]. بنابراین، با توجه به اینکه صحیح ابن سنان دارای ترجیح است، قول مشهور فقیهان برگزیده می‌شود و برای سیاه‌شدگی دو ثلث دیه آن دندان تعیین می‌شود.

عارضه‌ای قبلاً از بین رفته باشد به همان نسبت از دیه دندان کاهش می‌یابد.»

پیشتر قانون‌گذار ایران در ماده ۶۱۶ قانون مجازات اسلامی دیه دندان‌ها را به شرح زیر تعیین کرده است:

«از بین بردن تمام دندان‌های دائم بیست و هشتگانه دیه کامل دارد که به ترتیب زیر توزیع می‌شود:

الف- دندان‌های جلو که عبارتند از: پیش، چهارتایی و نیش که از هر کدام دو عدد در بالا و دو عدد در پایین می‌روید و جمعاً ۱۲ عدد است، هر کدام یک بیستم دیه کامل دارد.

ب- دندان‌های عقب که در ۴ سمت پایانی از بالا و پایین در هر کدام یک ضاحک و ۳ ضرس قرار دارد و جمعاً ۱۶ عدد است، هر کدام یک چهل‌م دیه کامل دارد.»

بنابراین از نظر قانون‌گذار ایران دیه شکستگی کامل دندان دیه کامل همان دندان است و شکستن مقداری از قسمت نمایان دندان (تاج) به همان نسبت دیه دارد. پس می‌توان گفت قانون‌گذار ایران همان نظر مشهور فقهای امامیه درباره میزان دیه شکستگی دندان‌ها را برگزیده است.

دیدگاه قانون‌گذار درباره دیه سیاه‌شدگی دندان

قانون‌گذار ایران در ماده ۶۱۹ قانون مجازات اسلامی دیه سیاه‌شدگی دندان را این‌گونه تعیین کرده:

«در میزان دیه تفاوتی میان دندان‌هایی که رنگ‌های گوناگون دارند، وجود ندارد و اگر دندانی در اثر جنایت، سیاه شود و نیفتد، دیه آن دو سوم دیه همان دندان است و دیه دندانی که قبلاً سیاه شده است، یک سوم دیه همان دندان است.»

بنابراین همان دیدگاه مشهور فقهای مورد پذیرش قانون‌گذار ایران قرار گرفته است و در سیاه‌شدگی دو ثلث دیه دندان را تعیین کرده است.

رویه قضایی

در رویه قضایی چنانچه بخشی از دندان بشکند و دندان سیاه شده محسوب شود، فقط دیه سیاه‌شدگی را منظور می‌کنند. بنابراین تبصره ۱ ماده ۶۲۲ قانون مجازات اسلامی درخصوص محاسبه دیه شکستگی دندان به نسبت مساحت رعایت نمی‌شود و دندان به هر میزان که بشکند و سیاه شده تلقی شود، دوم سوم دیه دندان را

محاسبه می‌کنند [۵]. در یکی از جدیدترین اظهارنظرهای پزشکی قانونی درخصوص تعیین دیه شکستگی دندان به همراه سیاه‌شدگی چنین بیان شده: «شکستگی ۵۰ درصد از مساحت تاج دندان قدامی یک (فک فوقانی سمت راست) که نیاز به عصب‌کشی دارد و دندان سیاه شده است، دیه دندان سیاه شده مقدر است» [۳۶]. بنابراین رویه قضایی برخلاف دیدگاه فقها و تصریح قانون‌گذار ایران تنها به تعیین دیه سیاه‌شدگی بسنده می‌کند و نسبت به شکستگی دندان دیه تعیین نمی‌کند و مسئولیتی را متوجه جانی نمی‌داند. ممکن است در توجیه رویه قضایی مزبور گفته شود با توجه به اینکه در اثر یک ضربه شکستگی و سپس سیاه‌شدگی حادث شده، باید به تداخل دیات قائل شد و ماده ۵۴۳ قانون مجازات اسلامی نیز موید همین برداشت است. اما این توجیه نیز با تامل در شرایط مقرر در ماده ۵۴۳ قانون مجازات اسلامی موجه نیست و در پیوند بعدی مورد نقد قرار می‌گیرد.

نقد رویه قضایی

با توجه به مبانی فقهی و دیدگاه‌های فقها و همچنین دیدگاه قانون‌گذار ایران برای هر یک از سیاه‌شدگی و شکستگی دندان باید دیه جداگانه‌ای در نظر گرفت اما در رویه قضایی تنها دیه سیاه‌شدگی تعیین می‌شود که این رویه قابل انتقاد است. زیرا از یک سو اصل بر تداخل نداشتن دیات است و از سوی دیگر ماده ۵۴۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ حکم مواردی را که آسیب‌های متعدد بر یک عضو وارد شود، این‌گونه بیان کرده است: «هرگاه در اثر یک ضربه یا هر رفتار دیگر، آسیب‌های متعدد در اعضای بدن به وجود آید، چنانچه هر یک از آنها در اعضای مختلف باشد یا همه در یک عضو بوده اما نوع هر آسیبی غیر از نوع دیگری باشد و یا از یک نوع بوده اما در دو یا چند محل جداگانه از یک عضو باشد، هر آسیب دیه جداگانه دارد.»

طبق این ماده در صورتی که با یک ضربه بر عضوی آسیب‌های متعدد وارد شود، در صورتی که هر یک از آنها در اعضای مختلف باشد یا همه در یک عضو بوده اما نوع هر آسیبی غیر از نوع دیگری باشد و یا از یک نوع بوده اما در دو یا چند محل جداگانه از یک عضو باشد، دیه هر کدام جداگانه حساب می‌شود و در هم تداخل نمی‌کند. همچنین نمی‌توان به استثنای مطرح شده در ماده ۵۴۳ قانون

از جنایت سیاه شده باشد و قسمتی از آن بشکند، دیه آن از مأخذ یک سوم محاسبه شود و اگر به کلی از بین برود به آن کلاً یک سوم دیه دندان سالم باشد.

ب. در فرض سؤال دیه چگونه باید تعیین شود؟ آیا صرفاً دو سوم دیه دندان به علت سیاه شدن تعیین می‌شود و دیه شکستن آن در سیاه شدن تداخل می‌کند و یا با محاسبه قسمتی که شکسته، از کل مساحت دندان (مثلاً ۴ درصد) ۴ درصد از دو سوم دیه دندان اصلی با رعایت مواد ۶۱۹ و ۶۲۲ قانون مجازات اسلامی مورد حکم قرار خواهد گرفت و یا علاوه بر تعیین دیه قسمت شکسته، دیه سیاه شدن هم تعیین خواهد شد؟».

مرکز تحقیقات فقهی حقوقی قوه قضاییه نیز در پاسخ چنین مرقوم کرده:

«مستفاد از مواد ۵۴۱ و ۵۴۳ ق.م.ا دیه شکستن دندان با سیاه شدن همان دندان تداخل نمی‌کند، زیرا شکستگی دندان و سیاه شدن آن عرفاً دو نوع آسیب متفاوت محسوب می‌شوند. بنابراین در صورتی که تاج دندان‌های اول بالا یا پایین بر اثر جنایتی شکسته باشد و مثلاً طبق نظریه پزشکی قانونی مقدار شکستگی ۷۰ درصد دندان جلو باشد و بر اثر آن ۳۰ درصد مابقی دندان نیز سیاه شده باشد، طبق بند «الف» ماده ۶۱۶ ق.م.ا به ضمیمه تبصره (۱) ماده ۶۲۲ ق.م.ا برای شکسته شدن ۷۰ درصد دندان جلو، باید ۷۰ درصد یک بیستم دیه کامل محاسبه شود و برای سیاه شدن ۳۰ درصد بقیه دندان بر اساس ماده ۶۱۹ ق.م.ا باید ۳۰ درصد از دو سوم دیه همان دندان (یک بیستم) محاسبه شود.

اما در فرضی که دندان مجنی علیه ابتدا بر اثر جنایتی سیاه شده و نیفتد و سپس بر اثر جنایت دیگر همان دندان بشکند، به غیر از دیه سیاه‌شدگی دندان که طبق ماده ۶۱۹ ق.م.ا مجنی علیه مستحق آن بوده، برای شکستگی نیز جداگانه ارش تعیین می‌شود» [۳۷].

با تامل در جوابیه مرکز تحقیقات فقهی حقوقی قوه قضاییه مشخص می‌شود محققان این مرکز نیز بر این باورند که «شکستگی» با «سیاه‌شدگی» دو امر متفاوت از یکدیگر هستند و طبق قواعد عام باب دیات دو دیه باید تعیین شود و مواد ۵۴۱ و ۵۴۳ قانون مجازات اسلامی نیز موید تداخل نداشتن دیات در مسئله مورد بحث است.

دیدگاه برگزیده

با تامل در مبانی فقهی و حقوقی و مواد قانونی و با در نظر

مجازات اسلامی استناد کرد زیرا در بند الف ماده ۵۴۳ قانون مجازات اسلامی شرط تداخل دیات را «یک نوع بودن» همه آسیب‌های ایجاد شده مطرح کرده، در حالی که «سیاه‌شدگی» قطعاً با «شکستگی» متفاوت است. بنابراین در مسئله مورد بحث شرط تداخل در دیات مفقود است. همچنین باید توجه داشت یکی دیگر از اشکالات رویه قضایی که تنها به دیه سیاه‌شدگی حکم می‌کند این است که در برخی از فروض دیه شکستگی بیشتر از دیه سیاه‌شدگی است. زیرا اگر به طور مثال ۱۰ درصد دندان شکسته شده باشد و الباقی سیاه شود، طبق رویه قضایی تنها دو سوم دیه همان دندان تعیین می‌شود و اگر ۹۰ درصد دندان شکسته شده باشد و الباقی سیاه شود، باز هم تنها دو سوم دیه همان دندان تعیین می‌شود، در حالی که از نظر میزان خسارت وارده این دو فرض با هم قابل مقایسه نیست و کسی که ۱۰ درصد دندان خود را از دست داده باید علاوه بر دیه سیاه‌شدگی نسبت به ۱۰ درصد شکستگی هم دیه دریافت کند و آن کسی که ۹۰ درصد دندان خود را از دست داده، باید علاوه بر دیه سیاه‌شدگی نسبت به ۹۰ درصد شکستگی هم دیه دریافت کند. اما در رویه قضایی به این دو هیچ فرقی گذاشته نشده و برای آنکه ۹۰ درصد از دندان‌های باقی مانده، با آنکه تنها ۱۰ درصد از دندان‌های باقی مانده است به یک میزان دیه تعیین شده است. این رویه باعث تضییع حقوق افراد می‌شود و با عدالت قضایی نیز همخوانی ندارد. یکی از قضات محاکم نیز در این باره از مرکز تحقیقات فقهی حقوقی قوه قضاییه چنین پرسش کرده: «در پرونده‌ای قسمتی از تاج دندان فردی در اثر تصادف رانندگی شکسته و مابقی دندان در اثر شکستن سیاه شده، پزشکی قانونی با ذکر موضوع اعلام داشته طبق دستورالعمل‌های پزشکی قانونی موضوع مشمول ماده ۶۱۹ قانون مجازات اسلامی است و شکستن قسمتی از دندان دیه‌ای ندارد. حال سؤال‌های زیر مطرح است:

الف. منظور از آن قسمت ماده فوق که بیان می‌دارد: «اگر دندانی در اثر جنایت، سیاه شود و نیفتد، دیه آن دو سوم دیه همان دندان است». تعیین دیه سیاه شدن دندان است یا تعیین دیه دندان سیاه شده در اثر جنایت است؟ توضیح اینکه احتمالاً به قرینه قسمت اخیر ماده فوق، دو سوم دیه دندان در واقع دیه دندان سیاه شده است تا اگر بعداً قسمتی از این دندان شکست دیه آن به نسبت از دو سوم دیه دندان اصلی تعیین شود و چنانچه دندان به علتی غیر

گرفتن اصل جلوگیری از تداخل دیات و ماده ۵۴۱ قانون مجازات اسلامی و مفقود بودن شرایط تداخل دیات مقرر در ماده ۵۴۳ قانون مجازات اسلامی و به منظور حفظ حقوق بزه‌دیده، دیدگاه برگزیده آن است که برای سیاه‌شدگی دو ثلث دیه و برای شکستگی نسبت به مساحت کل دندان دیه تعیین شود. با توجه به اینکه مسئله مورد بحث دارای فروض مختلفی است، شایسته آن است که دیدگاه برگزیده در قالب فروض ذیل تبیین شود:

فرض اول: شکستگی کل تاج دندان و سیاه‌شدگی

۱- پزشکی قانونی تقدم و تاخر شکستگی و سیاه‌شدگی را تشخیص دهد.

۱-۱- ابتدا دندان به صورت کامل شکسته شده و سپس عصب ریشه قطع شده باشد: دیه دندان کامل به علاوه ارزش به خاطر قطع عصب ریشه دندان.

۱-۲- ابتدا دندان سیاه شده و سپس به طور کامل شکسته شده باشد: دو سوم دیه دندان به خاطر سیاه‌شدگی و یک سوم دیه به خاطر شکستن دندان سیاه شده.

۲- پزشکی قانونی تقدم و تاخر شکستگی و سیاه‌شدگی را تشخیص ندهد.

در این فرض دو احتمال متصور است: یکم، ابتدا دندان شکسته و سپس مقدار مازاد سیاه شده و دوم، ابتدا دندان سیاه شده و سپس دندان کاملاً شکسته شده است. اما چون هیچ‌یک از این دو احتمال قابل تشخیص و تعیین نیست، باید ابتدا دیه بر اساس هر از یک از دو احتمال محاسبه شود و در نهایت با توجه به «اصل برائت» دیه کمتر تعیین شود، زیرا مورد از مصادیق شک در اقل و اکثر است و طبق ضوابط اصولی باید نسبت به مازاد برائت جاری کرد [۳۳].

فرض دوم: شکستگی بخشی از تاج دندان و سیاه‌شدگی

۱- پزشکی قانونی تقدم و تاخر شکستگی بخشی از دندان و سیاه‌شدگی را تشخیص دهد.

۱-۱- ابتدا بخشی از دندان شکسته شده و سپس باقیمانده سیاه شده باشد:

دیه شکستگی نسبت به مساحت دندان محاسبه می‌شود. اما نسبت به سیاه‌شدگی دو احتمال متصور است: یکم، دو سوم دیه کامل آن دندان تعیین شود. دوم، دو سوم دیه دندان باقیمانده تعیین شود. در اینجا نیز با توجه به اصل برائت نسبت به مازاد بهتر

آن است که احتمال دوم برگزیده شود.

۲- ابتدا دندان سیاه شده باشد و سپس بخشی از تاج دندان شکسته شده باشد.

دو سوم دیه دندان به خاطر سیاه‌شدگی و به خاطر شکستگی بخشی از تاج دندان نسبت به یک سوم دیه دندان (یعنی هر مقدار شکستگی دندان در یک سوم ضرب می‌شود) دیه تعیین می‌شود.

۲- پزشکی قانونی تقدم و تاخر شکستگی بخشی از دندان و سیاه‌شدگی را تشخیص ندهد.

در این فرض دو احتمال متصور است: یکم، ابتدا دندان بخشی از دندان شکسته و سپس مقدار مازاد سیاه شده است. دوم، ابتدا دندان سیاه شده و سپس بخشی از دندان شکسته شده است. اما چون هیچ‌یک از این دو احتمال قابل تشخیص و تعیین نیست، باید ابتدا دیه بر اساس هر از یک از دو احتمال محاسبه شود و در نهایت با توجه به «اصل برائت» دیه کمتر تعیین شود. زیرا مورد از مصادیق شک در اقل و اکثر است و طبق ضوابط اصولی باید نسبت به مازاد برائت جاری کرد [۳۸].

بنابراین علاوه بر تعیین دیه سیاه‌شدگی باید نسبت به شکستگی نیز تعیین دیه و یا ارزش (در فرضی که قطع عصب ریشه بعد از شکستگی کامل دندان باشد) شود که متأسفانه این مهم در رویه قضایی مورد توجه قرار نمی‌گیرد و فقط دیه سیاه‌شدگی تعیین می‌شود.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش رویه قضایی در تعیین دیه شکستگی توام با سیاه‌شدگی دندان مورد بررسی و نقد قرار گرفت. از جمله نتایج این پژوهش آن است که در رویه قضایی و همچنین رویه پزشکی قانونی، در صورتی که شکستگی توام با سیاه‌شدگی دندان باشد، تنها دیه سیاه‌شدگی دندان تعیین می‌شود و برای شکستگی دندان دیه‌ای در نظر گرفته نمی‌شود که با توجه به بررسی‌ها و تحلیل‌های انجام شده این رویه قابل نقد است. تأمل در مبانی فقهی حاکی از آن است که برای هر یک از این دو (شکستگی و سیاه‌شدگی) دیه جداگانه‌ای تعیین شده و اصل بر تداخل نداشتن دیات است. همچنین با توجه به ماده ۵۴۱ قانون مجازات اسلامی که اصل را بر جلوگیری از تداخل دیات می‌داند و از سوی دیگر شرط تداخل دیات مقرر در

8. al-Islamiya Institute. 1995;2:502. [Arabic]
8. Jabai Ameli Z. Al-Rawzah al-Bahiyyah fi Sharh al-Ma'ah al-Damashqiyah, Qom, Payam Novavar Publications. 2011;10:218. [Arabic]
9. Ibn Baboyeh Qomi M. Man La Yahzoroho Al-Faqih, translator: Ghafari, Ali Akbar and Muhammad Javad Sadr Balaghi. Tehran: Sadouq Publishing. 1988, Pp:433. [Arabic]
10. Kolini M. Al-Kafi, Tehran, Dar al-Kutb al-Islamiya. 1986, Pp:330-34. [Arabic]
11. Tousi A. Al-Mobsut. Tehran: Al-Mortazawieh School Publication. 1974; Pp:141. [Arabic]
12. Mohaghegh Hali A. Shar'e al-Islam. Ismailian Institute. 1987;4:249. [Arabic]
13. Helli H. Al-Ahkam al-Ahkam fi Marafah Al-Halal and Al-Haram. Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Qom Seminary Teachers Society. 1992; Pp:677. [Arabic]
14. Feiz Kashani M. Mofatih al-Shar'e. Ayatollah Morashi Najafi Library. 1985;2:150. [Arabic]
15. Mousavi Khomeini R. Tahrir al-Wasila, Qom, Dar Alam Press Institute. 2006; 2: 577. [Arabic]
16. Tousi M. Al-Khalaf. Qom: Islamic Publication Office Affiliated with the Qom Faculty of Education Teachers Society. 1986; Pp: 247. 10:275. [Arabic]
17. Ibn Zohreh H. Ghaniyeh al-Nazwa ili al-Ulmi al-Usul wa al-Faroo. Imam Sadiq Foundation. 1996:419. [Arabic]
18. Tabatabai A. Riyaz al-Masal. Al-Al-Bait Foundation. 1997;16:462. [Arabic]
19. Al-Barojardi H, Al-Mu'azi al-Malairi E. Jame'ah Hadith al-Shi'a. Qom: Al-Saaf publication. 1994; Pp: 423. [Arabic]
20. Tousi M, Al-Estebars, Qom, Islamic Publications Office. 1992; 4: 290. [Arabic]
21. Ibn Fahd Heli A. Al-Muqtasar Men Sharh al-Mukhatsar. Majma al-Pakhu al-Islamiyya. 1986;5:304. [Arabic]
22. Fazel Hendi M. Kashf al-Latham and Al-Abham on the Rules of Al-Ahkam. Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Qom Seminary Teachers Society. 1995; Pp:354. [Arabic]
23. Hatami S, Elmi M, Haeri MH. Criticism and analysis of the jurisprudential foundations of Article 619 of the Islamic Penal Code (approved in 2013). Criminal Law Research Quarterly. 2018;7(27):165-87. [Arabic]
24. Mousavi Khoei A. Mabani Takmeleh Al-Menhaj. First Edition, Qom: Imam Al-Khoei Works Revival Foundation. 2001; Pp:369. [Arabic]
25. Hosseini Ameli M. Miftah al-Karamah fi Sharh al-

ماده ۵۴۳ قانون مجازات اسلامی یعنی «یک نوع بودن آسیب» نیز در مسئله مورد بحث مفقود است، با عنایت به صراحت مواد ۶۱۶، ۶۱۹ و ۶۲۲ قانون مجازات اسلامی و با در نظر گرفتن حقوق برهه‌دیده، باتوجه به تفصیلی که در تبیین دیدگاه برگزیده بیان شد، باید علاوه بر تعیین دیه سیاه‌شدگی نسبت به شکستگی نیز تعیین دیه و یا ارش (در فرضی که قطع عصب ریشه بعد از شکستگی کامل دندان باشد) انجام پذیرد.

پیشنهاد می‌شود ذیل ماده ۶۱۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ تبصره زیر اضافه شود: «در صورتی که علاوه بر سیاه‌شدگی، شکستگی دندان نیز به وقوع پیوسته باشد، باید علاوه بر تعیین دیه سیاه‌شدگی نسبت به شکستگی نیز تعیین دیه و یا ارش (در فرضی که قطع عصب ریشه بعد از شکستگی کامل دندان باشد) انجام پذیرد». همچنین با به‌روزرسانی سامانه ملی آرای قضایی، آرای بیشتری از محاکم قضایی منتشر شود و در دسترس پژوهشگران قرار گیرد. در مسئله مورد بحث هیچ رای قضایی در سامانه ملی آرای قضایی یافت نشد.

تشکر و قدردانی: نویسنده مقاله بر خود لازم می‌داند از مساعدت مرکز تحقیقات فقهی حقوقی قوه قضاییه و معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم تشکر و قدردانی کند.

تأیید اخلاقی: مقاله حاضر از نوع مرور نقلی است و نیازی به اخذ کد اخلاق نیست.

تعارض منافع: نویسنده مقاله حاضر هیچ‌گونه تعارض منافع را اعلام نمی‌دارد.

منابع مالی: مطالعه حاضر مورد حمایت مالی قرار نگرفته است.

References

1. Sadriafshar Q. Contemporary Farsi Persian regiment. Tehran: Farhangmoaser. 2004, Pp:645. [Persian]
2. Zraat A. Islamic Penal Code in the current system. Tehran: Qoqnos. 2001, Pp:241. [Persian]
3. Roberts GJ, Longhurst P. Oral and dental trauma in children and adolescents. Oxford University Press, USA; 1996.
4. Balvipoor Y. Reasons for black teeth. Available from: <https://yousefdentistry.com/402>. [Persian].
5. Abedi A. A practical approach to the Diet. Tehran: Judiciary Publications. 2020, Pp:104. [Persian]
6. Najafi M. Javaher al-Kalam fi Sharh Shari'e al-Islam, Beirut, Dar Ehiya al-Tarath al-Arabi. 1983;43:230-240. [Arabic]
7. Jabai Ameli Z. Masalak al-Afham, Qom, Al-Maarif

- Qaa'e al-Allamah. First Edition, Beirut: Dar Ahya al-Trath al-Arabi. 1908; Pp:418. [Arabic]
26. Hakim Mohammad, Menhaj al-Salehin, Beirut, Dar al-Safwa. 1997; 1: 221. [Arabic]
 27. Hllie H. Mokhtalaf Al-Shia'a Fi Ahkam al-Sharia. Qom: Islamic Publications Office Affiliated with the Qom Faculty of Education Teachers' Society. 1991; Pp:437. [Arabic]
 28. Fazel Lankarani M. Tafsil Shari'ah fi Sharh Tahrir al-Wasila. First Edition, Qom: Jurisprudence Center of Imams of Purification of Islam. 1997; Pp:160. [Arabic]
 29. Mousavi Ardabili AK. jurisprudence of al-Diyat. Qom: Charters of Amir al-Momenin School. 1995; Pp:433. [Arabic]
 30. Qiblai Khoei K. Translation and suspension on the basics of Takmelah al-Manhaj (Diyat). Tehran: Humanities Research and Development Center, 2015; Pp:132. [Arabic]
 31. Tabrizi J. Revision of the Basics of Al-Ahkam (Kitab al-Diyat), First Edition. Qom: Dar al-Sadiqah al-Shahida. 2007; Pp:171. [Arabic]
 32. Ibn Baboyeh Qomi M. Fiqh al-Reza. Al-Bayt Foundation. 1985;1:319. [Arabic]
 33. Sabzevari AA. Mahezab Al-Ahkam. Al-Manar Foundation. 1992;29:198. [Arabic]
 34. Sobhani J. A lesson outside of jurisprudence (the topic of teeth payment). Accessed in March 10, 2022. Available from: <https://www.eshia.ir/feqh/archive/text/sobhani/feqh/91/910710/>. [Persian]
 35. Legal Jurisprudence Research Center of the Judiciary. Ganjeh Jurisprudence. Qom: Jurisprudence Research Center of the Judiciary, Question 8329, 2009. [Persian]
 36. Iranian Legal Medicine Organization. Letter Number: 0101382003228/005, dated: 06/08/1401. [Persian]
 37. Legal Jurisprudence Research Center of the Judiciary. Ruling on the fracture of the tooth crown and its blackening, Article 619 of the Criminal Code, Answer No. 1-2487. Qom: Judiciary Jurisprudence Research Center, 2014. [Persian]
 38. Meshkini A. Estelahat Al-osoul va Mozam abhaseha. Qom: Al-Hadi Publishing House. 1992; Pp:67. [Arabic]